

هزینه فرصت رفتن به دانشگاه در ایران



دکتر مرتضی ذره‌پور تالی
عضو هیئت‌علمی گروه جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی
کرمان

مقدمه

به‌زعم اغلب متخصصان حوزه علوم اجتماعی، خاصه صاحب‌نظران عرصه اقتصاد اجتماعی، «اقتصاد سیاسی» به‌عنوان زیربنای ساخت جامعه، تعیین‌کننده نحوه شکل‌گیری مناسبات اجتماعی و الگوهای رفتاری ناشی از آن است. در چنین شرایطی است که فرد با سنجش ذهنی مطلوبیت‌ها و ضررها در عرصه زندگی روزمره خود دست به انتخاب و گزینش می‌زند. در مبحث «اقتصاد اجتماعی» هزینه فرصت - opportunity cost - یک مفهوم «ذهنی» عینی است که به‌صورت غیرمستقیم، با مطلوبیت شخصی به دست می‌آید. به این معنی که فرد در ازای زحمت و از خودگذشتگی که برای به دست آوردن یک محصول متحمل شده، چه مزایا و مطلوبیت‌ها و منافع جانبی را از دست داده است؟ پس هزینه فرصت به هیچ‌وجه حاصل جمع عایدی‌های ممکن نیست، بلکه تفریق انتخاب فرد از بیشترین است. (۱)

تحصیل و آموزش در ایران به‌عنوان یکی از کلیدی‌ترین مؤلفه‌های نیل به توسعه متوازن و پایدار، بویژه در مبحث تحصیلات آکادمیک از مصادیق بارز مفهوم «هزینه فرصت» است که چنانچه اشاره شد، محصول استراتژی ناقص ناشی از روندهای «اقتصاد سیاسی» در جامعه ایرانی است.

هزینه فرصت، نهایتاً «ذهنی» است. * از این‌روست که جوان در ذهن خود با مقایسه وضعیت خود در گذشته و حال و با دیگر همسالان دست به انتخاب دشوار می‌زند و از میان ورود به بازار کار اقتصادی و دانشگاه اغلب وادار به گزینش می‌شود. از سوی دیگر، ضعف آشکار دانشگاه‌های ایران در ارتقای سطح مهارت‌های علمی دانشجویان و تمرکز بر آموزش حافظه محور، عواقب آتی بیکاری پس از فراغت از تحصیل را تشدید کرده و بر هزینه فرصت ازدست‌رفته می‌افزاید. به این معنی که دانشگاه تنها فرصت ارائه محصول آموزش حافظه محور را به فرد داده و با سپری شدن دوره طلایی سنی بیست تا سی‌سالگی، ورود او را به عرصه شغلی دشوار می‌سازد. مطابق داده‌های استنادی پایگاه اطلاعاتی رسمی دبیرخانه دانشگاه‌های اسلامی که به مقایسه وضعیت فارغ‌التحصیلان و شاخص «تطابق شغل با رشته تحصیلی» پس از فراغت از تحصیل می‌پردازد، همان‌طور که در جدول شماره (۱) مشاهده می‌شود هزینه فرصت در ایران، شاخصی بالاتر از میانگین قابل‌قبول را معرفی می‌کند.

هزینه فرصت - opportunity cost - یک مفهوم «ذهنی» عینی است که به‌صورت غیرمستقیم، با مطلوبیت شخصی به دست می‌آید. به این معنی که فرد در ازای زحمت و از خودگذشتگی که برای به دست آوردن یک محصول متحمل شده، چه مزایا و مطلوبیت‌ها و منافع جانبی را از دست داده است؟ پس هزینه فرصت به هیچ‌وجه حاصل جمع عایدی‌های ممکن نیست، بلکه تفریق انتخاب فرد از بیشترین است.

هزینه فرصت

در نظر «فون ویزر» هزینه فرصت هرچند هم مفهومی ذهنی و هم عینی است، اما در نهایت ارزش چیزهای عینی شاخص هم در ذهن افراد شکل می‌گیرد، پس

هزینه فرصت o.c	انحراف معیار	شاخص بین‌المللی	کشورهای عضو حوزه I.U.C	ردیف
۳/۲۲	۰/۷۲	۵۷۲	ترکیه	۱
۳/۴۶	۰/۶۸	۵۹۶	مالزی	۲
۳/۸۷	۰/۶۵	۶۲۳	اندونزی	۳
۳/۹۸	۰/۶۱	۶۷۸	عربستان سعودی	۴
۴/۱۱	۰/۵۸	۶۹۷	امارات متحده عربی	۵
۴/۳۲	۰/۵۵	۷۳۷	عمان	۶
۴/۸۷	۰/۵۳	۸۲۰	بحرین	۷
۵/۲۳	۰/۵۱	۸۸۲	کویت	۸
۵/۸۸	۰/۴۶	۹۰۲	عراق	۹
۶/۱۲	۰/۴۳	۹۰۸	ایران	۱۰

بر «بازدهی آموزشی»، مشخص شده که: اولاً نظام‌های آموزشی غیرمتمرکز در مقایسه با نظام‌های آموزشی متمرکز و نیمه‌متمرکز از بازدهی آموزشی بالاتری - چه در سطح جهان و چه ایران- برخوردارند، لذا مبنا قرار دادن نظام غیرمتمرکز متناسب با هویت‌های بومی- منطقه‌ای- قومی در نقاط مختلف کشور می‌تواند به توسعه کیفی بازده نظام آموزشی منجر شود. ثانیاً با عنایت به اینکه مطابق نتایج تحقیقات انجام‌گرفته در خصوص وجود رابطه همبستگی بین سطوح سه‌گانه توسعه (اجتماعی، سیاسی و اقتصادی) با بازدهی آموزشی مشخص شده که فاکتورهای کلیدی «توسعه اجتماعی»، «توسعه سیاسی» و «توسعه اقتصادی»، به ترتیب بالاترین تأثیر معنی‌دار را بر افزایش بازده نظام آموزشی دارند، لذا با تقویت دیدگاه «شبکه‌ای» چندوجهی، توسعه اجتماعی می‌تواند از طریق

معتبر جهان نمی‌گنجد و زمانی که این شاخص با مسئله مهاجرت نخبگان در تطابق قرار می‌گیرد، وجود ربط منطقی و معنی‌دار میان این فاکتورهای حساس رخ می‌نماید. به‌منظور برون‌رفت از تنگناهای آموزشی موجود در ایران و در راستای ارتقای سطح کیفی و بازده نظام آموزشی (از مدرسه تا دانشگاه)، جایگزینی راهبرد نوین «آموزش تفهیمی مبتنی بر نقد» و متدولوژی متناسب با آن است که می‌تواند ظرفیت‌های بالقوه عظیم موجود در دانش آموزان، دانشجویان، معلمان، اساتید و پژوهشگران مستعد در کشور را به فعل تبدیل کرده و با توان بخشیدن به دو بعد «کمیت و کیفیت» آموزشی، ظرفیت‌های گسترده موجود در کشور را اعتلا بخشد. از آنجا که در نتیجه انواع تحقیقات کیفی انجام‌شده در رابطه با تأثیر «نوع نظام‌های آموزشی» (متمرکز، نیمه‌متمرکز و غیرمتمرکز)

بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۰ میلادی نرخ «تولید علم» در ایران پایین‌تر از کشورهای هم‌تراز به لحاظ توسعه، کشورهای همسایه و کشورهای منطقه، مانند مصر، ترکیه و عربستان سعودی بوده است. بویژه نکته هشدارآمیزتر اینکه نرخ تولید علم ایران در زمینه «هنر و علوم انسانی» عددی نزدیک به «صفر» را نشان می‌دهد. حال آنکه در همین بازه زمانی، نرخ تولید علم در بعد «هنر و علوم انسانی» در ترکیه سه درصد، مصر یک درصد، کویت و عربستان سه‌هزارم درصد و پاکستان دوهزارم درصد بوده است. تعداد «دانشگاه‌های معتبر» ایران در سطح نظام آموزش بین‌المللی از دوازده در سال ۱۳۵۷ به دو (شامل دانشگاه صنعتی شریف و دانشگاه تهران) در سال ۲۰۲۰ میلادی کاهش یافته و در حال حاضر هیچ مجموعه دانشگاهی در ایران در زمره پانصد دانشگاه



دارد. جهانی که در آن هر رشته از ساختار اجتماعی مدام در حال توسعه و تکامل است؛ مشاغل تثبیت شده همواره تضعیف می‌شوند و شرایط کار و توانایی‌های حرفه‌ای هر روز تغییر می‌کند. در چنین وضعیتی، آموزش و تربیت جوانان و اساساً توانمندی فرهنگی آنان نسبت به گذشته باید متفاوت بوده و با مسئولیتشان تناسب داشته باشد. همه این موارد، تجدیدنظر عمیقی را در آموزش و تربیت در سطوح مختلف اجتماعی طلب می‌کند و در این میان سازمان دانشگاه را باید به نحوی طراحی نمود که این مراکز بتوانند با چالش‌های عصر حاضر با موفقیت روبه‌رو شوند؛ بنابراین لازم است تعلیم و تربیتی دنبال شود که منطبق بر اصول روش‌شناختی جهانی است. این نوع تربیت روشمند می‌تواند پایایی خود را در طول زمان حفظ کرده و بر فلسفه‌ای متکی باشد که شالوده آموزش‌های تخصصی خاص و چندجانبه به حساب می‌آید. (۵)

ارزشمندترین منبع در جامعه مبتنی بر علم و دانش کنونی، انسان به معنی واقع کلمه است. انسان می‌تواند تولیدکننده دانش و در اکثر موارد، پردازشگر، کاربر و انتقال‌دهنده دانش باشد. انسان‌ها قادرند تحلیل‌گر و تلفیق‌کننده دانش باشند و از این طریق، دانش را به صورت الگوهای رفتاری، تصمیمات

مشغول تحصیل هستند، نه به دنبال مهارت آموزشی و کسب شغل.

از جمعیت ۲ میلیون و ۸۲۳ هزار نفری «نیت‌ها» در ایران، تعداد ۹۲۸ هزار نفر را مردان جوان و یک میلیون و ۸۹۵ هزار نفر را زنان جوان تشکیل می‌دهند. حتی تعداد قابل توجهی از دانشجویان دانشگاه‌های کشور با هدف جبران کاستی‌های آموزش حافظه محور از یک سو و درآمدزایی شغلی سهل‌الوصول از سوی دیگر، به جمعیت غیررسمی «نیت‌ها» اضافه شده‌اند و اغلب، در فعالیتهایی مانند تجارت رمز ارز و تجارت حوزه بلاک چین، تولید محتوا در یوتیوب، بلاگری و غیره به‌عنوان فضاهای کاری نسل جدید فعالیت می‌کنند که محصول اقتصاد سرمایه‌داری لجام‌گسیخته‌ای هستند که از اقتصاد سیاسی حاکم بر جامعه نشأت گرفته و دستیابی به یک اقتصاد سالم و توسعه محور را با چالش جدی مواجه می‌سازند. (۴)

چالش‌ها و چشم‌اندازهای نظام دانشگاهی در ایران

در جهان مدرن که به‌زعم «نیل پستمن» به دلیل سلطه تکنولوژی بر تمام عرصه‌های حیات اجتماعی انسان، آن را نظام «تکنوپولی» می‌نامند، جوانان مجبورند با دنیایی روبه‌رو شوند که در معرض تحولات چشمگیر قرار

تقویت سطح اعتماد عمومی و مشارکت فعال مردم و بهره‌گیری حداکثری از ظرفیت «سرمایه اجتماعی» به‌عنوان محرک و نیروی پیشران در ارتقای سطح بازده نظام آموزشی کشور عمل کرده تا زمینه و بستر لازم جهت نیل به توسعه موزون، همه‌جانبه و پایدار در جامعه فراهم گردد. (۳)

در نتیجه چنین وضعیتی، امروزه بسیاری از جوانان از یک‌سو به دلیل در دسترس نبودن بازار کار فعال ناشی از «رکود تورمی» در کشور و از سوی دیگر، هزینه فرصت‌های سنگین تحصیل در دانشگاه که به آن اشاره شد، هم از «شغل» و هم از «تحصیل آکادمیک» بازمانده و به‌سوی بازارهای غیر شفاف و غیررسمی مجازی سوق داده شده‌اند تا خلأ این هزینه فرصت را به نحوی پر کرده باشند که از این گروه جوانان با عنوان «نیت-Neet- یاد می‌شود.

نیت‌ها فعالان عرصه غیررسمی و عمدتاً مجازیند که نه به تحصیل مشغولند، نه به کار و محصول فضای عمومی جدید ناشی از استراتژی‌های ناقص اقتصاد سیاسی حاکم بر جامعه‌اند و جمعیت آن‌ها هم در جهان و هم در ایران رو به افزایش بوده که آن‌ها را به یک «بمب ساعتی» تبدیل کرده است! طبق گزارش داده‌های مرکز آمار ایران، حدود ۲۶ درصد از جوانان ۱۵ تا ۲۴ ساله کشور نه

و اقدامات درآورند.

وب، همچنین مهارت‌های جنبی را که دانش‌آموختگان امروز باید ورای پیشرفت تحصیلی دانشگاهی فراگیرند تا در مشاغل انتخابی خود موفق شوند، این‌گونه برمی‌شمارد: مهارت‌های قوی ارتباطی در دو سطح گفتاری و نوشتاری، شناخت و درک بنیادی ریاضیات و علوم، مهارت‌های عالی در فناوری‌های اطلاع‌رسانی، توان تفکر نقادانه، درک نیاز به آموزش مداوم، توانایی کار به‌صورت گروهی، خلاقیت و نوآوری، انضباط فردی و انعطاف‌پذیری و توان به‌عهده گرفتن کار سخت و مستمر، لذت بردن از رقابت سالم، حساسیت فرهنگی و آگاهی بین‌المللی، دیدگاه معطوف به نتیجه و توانایی تصمیم‌گیری.

دانشگاه‌ها باید برای تقویت مهارت‌های جنبی اهمیتی خاص قائل باشند و برنامه‌های آموزشی در همه سطوح باید اهمیت تقویت این‌گونه توانایی‌ها و مهارت‌ها را در دانشجویان مورد ملاحظه قرار دهند. بدون شک شیوه آموزشی مرسوم در دانشگاه‌ها، از کارآمدی لازم برخوردار نیست و به‌ناچار باید محدودیت‌های برنامه‌های آموزشی برطرف شود. نگاه سنتی به تعلیم و تربیت، دیگر نمی‌تواند پاسخگوی نیازهای مختلف نسل جوان در عصر اطلاعات باشد. این ناتوانی، تحول در برنامه‌های آموزشی را امری ضروری و اجتناب‌پذیر ساخته است. تحول صرفاً به معنی اصلاح شیوه‌های جاری تدریس نیست، بلکه کل عناصر دخیل در امر یاددهی و یادگیری باید متحول شوند.

درعین حال اگرچه تحصیل نتواند کلیه محرومیت‌های گریبان‌گیر یک کشور را رفع کند، اما مسلم است که تحصیلات مطلوب و مؤثر آینده روشن‌تری را خلق نموده و انسان‌های متفکری را برای جامعه‌ی متغیر به بار خواهد آورد.

جامعه دانش‌مدار بیشتر طالب افرادی است که خوب آموزش دیده‌اند، نه کسانی که در زمینه خاصی دوره دیده‌اند. کسب موفقیت در مسیر ایجاد مجموعه‌ای از روش تفکر،

نگرش، ارزش مهارت، مستلزم آن است که آموزش مبتنی بر اصول علمی باشد، با توجه به کل شرایط مطرح‌شده، بازنگری و تعدیل رسالت‌ها و در پی آن اهداف آموزش عالی از ضروریات محسوب می‌شود.

برنامه‌های درسی آموزش عالی به‌طور قاطع باید انعکاس‌دهنده نیازهای جامعه، روش‌های کسب دانش و علایق دانشجویان، توانایی‌ها و یادگیری‌های پیشین آن‌ها باشد. طراحان برنامه‌های درسی، نیازمند به تهیه اشکال چندگانه نیازهای متنوع، علایق و توانایی‌های دانشجویان، برای برنامه‌های درسی هستند.

یکی از زمینه‌های اصلی تفاوت در برنامه‌های درسی دانشگاهی، «کانون توجه آموزش عالی» محسوب می‌شود. در هر نظام دانشگاهی بر سر محور بودن یک آرمان، نوعی توافق آشکار یا پنهان حاصل آمده است که همه فعالیت‌ها بر سر آن سامان می‌یابند. **تحلیل نظام‌های آموزش عالی نشان می‌دهد که موضوعات زیر «کانون توجه آموزش عالی» را تشکیل می‌دهند:**

- آماده‌سازی برای پژوهش و تولید دانش،
- آماده‌سازی برای ایفای وظایف شغلی،
- رشد شخصیتی و فردی،

در این مفهوم که از تقریب سطح رضایت و مطلوبیت شغلی و تطابق حرفه با تخصص فارغ‌التحصیلان نظام دانشگاهی در کشورهای حوزه اسلامی به دست آمده، در ایران بیش از شصت درصد فارغ‌التحصیلان دانشگاهی در حرفه‌ای غیر مرتبط با رشته دانشگاهی و تخصصی خود مشغول به کار هستند. این امر در حالی است که ایران، در دهه‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی با رشد کمی فزاینده‌ای در اغلب حوزه‌های کاربردی نظام آموزشی مواجه بوده، لکن به‌واسطه غفلت از بعد کیفی آموزش مهارت محور و اتخاذ سیاست «آموزش متمرکز» و غیر نقاد، هزینه فرصت‌های ازدست‌رفته افزایش یافته است.

- ایفای نقش در حیات اجتماعی و فرهنگی جامعه (شهروندی).

گرچه ممکن است صورت‌های تلفیقی از موضوعات مذکور را در یک نظام آموزش عالی بتوان یافت، اما واقعیت آن است که در هر رشته تحصیلی، عنایت ویژه به یکی از محورهای مذکور غلبه دارد.

برنامه درسی دارای تاریخی فکری و اجتماعی است و بر اساس واقعیات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی هر کشور، ابداع، اقتباس و یا سازگار می‌شود. تغییر تقاضاهای بازار کار و نیاز فزاینده به افراد دارای مهارت پیشرفته چندبعدی یا میان‌رشته‌ای و شناخت روش‌های تحقیقی آن‌چنان‌که در دیدگاه‌های رهبران آموزشی در سطح ملی و نهادی، ترسیم می‌شود بر برنامه‌های درسی سطوح مختلف چون کارشناسی و تحصیلات تکمیلی تأثیر بسزایی دارد. به بیان دقیق‌تر، هر کشور بر اساس نظام آموزش عالی خاص خود برنامه‌های درسی متناسب با شرایط خود را طراحی می‌کند؛ به این طریق دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی از طریق برنامه‌ریزی می‌توانند نقش راهبر علمی و آموزشی در مناطق خود را ایفا نمایند و از طریق نیازسنجی و آینده‌نگری با عنایت به واقعیت‌ها، آرمان‌های خود را با طراحی و نقش کلیدی را در تحولات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و توسعه مناطق تحت پوشش خود، عهده‌دار شوند.

اما نکته حائز اهمیت این است که با تحول سریع علوم و فنون، جوامع معاصر به‌طور فزاینده‌ای در حال تنوع پیچیده شدن و تحولند. همگام با چنین تحولی، فرآیند آماده‌سازی نسل جوان برای زندگی به‌عنوان متفکران مستقل، شهروندان مفید و مولد و رهبران آینده باید متحول گردد؛ اما تحول در فرآیندهای تربیتی، نیازمند تحول در نگرش و بینش طراحان و مجریان برنامه‌های درسی، بازنگری و بازآزمایی سازه‌های برنامه‌های آموزشی است. بدون تحول عناصر ساختار نظام آموزشی، تغییر در فعالیت‌های تربیتی و فرآیند آماده‌سازی نسل جوان تقریباً غیرممکن خواهد بود. چالش‌های علمی، پیچیدگی

مشاغل و سیستم‌های ارتباطی آن‌چنان در حال تحولند که دیگر نمی‌توان با طرز تلقی گذشته و رویکردهای سنتی به فرآیند تربیت نسل جوان اندیشید. تافلر (۱۹۸۰) در کتاب موج سوم، ضمن تحلیل مراحل تحول در تاریخ تمدن بشر به تحلیل آخرین مرحله از تحول، یعنی پیدایش عصر فرا صنعتی می‌پردازد. عصری که از اواسط قرن حاضر شروع شده و با خود عصر اطلاعات را به ارمغان آورده است. بر اساس تحلیل او به‌رغم ظهور عصر اطلاعات، بسیاری از نظام‌های آموزشی دنیا هنوز پا فراتر از عصر صنعتی نگذاشته‌اند، بلکه در فرآیند گذار دچار نوعی آشفتگی شده‌اند. تحقیقات نشان می‌دهد که دانشجویان هنوز در فرآیند تحصیل مشغول یادگیری مهارت‌های پایه و مقدماتی هستند، آن‌ها علاوه بر اینکه مهارت‌های سطح بالا که نیاز به عصر اطلاعات است را نمی‌آموزند، بلکه در اکثر نظام‌های آموزشی از تجربه مربوط به حیات ذهنی محروم هستند. آن‌ها در خانه، آموزشگاه و جامعه - به‌عنوان عوامل بازدارنده تفکر و خلاقیت - به‌سادگی می‌آموزند که چگونه برای حفظ امنیت خود رفتار کنند، از پرسش‌ها و کنجکاوی‌شان چشم‌پوشند و به دنبال یافتن پاسخ‌هایی باشند که دیگران از آن‌ها انتظار دارند. آن‌ها به‌تدریج می‌آموزند که دانشگاه نیز محل تفکر نیست. مالکوم نالس معتقد است که به‌منظور ایجاد تحولات اجتماعی روزافزون، مربیان و مدرسان باید درباره نقش خود دوباره فکر کنند و فعالیت‌های خود را بر آموزش مهارت‌ها و روش‌هایی متمرکز کنند نمایند که شاگردان برای تحقیق مستقل به آن احتیاج دارند. البته نکته مهم این است که با توجه به دنیای متحول کنونی، کل عناصر دخیل در فرآیند یاددهی - یادگیری باید متحول شود. طراحان و مجریان برنامه‌های درسی باید ساختار دانشجویی، تجربه‌ها و سبک‌های یادگیری، الگوهای تدریس و شیوه‌های ارزشیابی نتایج را با توجه به رویکردها و چالش‌های جدید تربیتی بازنگری و نوسازی کنند و به اعتقاد قروچیان (۱۳۷۴) اصولاً دانشگاه‌ها باید از

برنامه‌روزی به برنامه‌ریزی تغییر موضع دهند و فرهنگ برنامه‌ریزی صحیح و اصولی در جامعه دانشگاهی نهادینه گردد.

دانشگاه باید از طریق ارتقای آگاهی‌های عمومی جامعه به کاهش آسیب‌پذیری‌های فرهنگی کمک کند. همچنین از طریق همگانی کردن علم به پر کردن شکاف طبقاتی بپردازد. برقراری نظم اجتماعی، نظارت اجتماع بر جامعه، هماهنگ‌تر شدن خرده‌فرهنگ‌ها، پرکردن شکاف نسل‌ها، ایجاد تعادل و توسعه‌یافتگی و ده‌ها رسالت دیگر از جمله رسالت‌های فرهنگی آموزش عالی محسوب می‌شوند. همچنین رسالت‌ها و اهداف علمی و تحقیقاتی و نیز اجتماعی و اقتصادی از مباحثی است که نقش آموزش عالی را بیش‌ازپیش در توسعه همه‌جانبه کشور آشکار می‌سازد. تبلور این رسالت‌ها و اهداف را باید در چارچوب کارکردهای نظام آموزش عالی جستجو کرد.

با توجه به این که عوامل مختلفی بر کارکرد آموزش عالی تأثیر می‌گذارند (بیرونی، درونی، مختلط)، همت والای متخصصین آموزش عالی و تمام دست‌اندرکاران این نظام در طراحی و تدوین برنامه‌های آموزشی و درسی مناسب و متناسب با دنیای متحول کنونی، تنها راه موفقیت این نظام به‌عنوان مهم‌ترین عامل توسعه و پیشرفت جامعه می‌باشد. دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی باید از صورت جزایر آموزشی خارج گردیده، نقش هدایت‌کنندگان علمی و کاربردی جهت حرکت آفرینی و توسعه‌بخشی فعالیت‌های

بدون تحول عناصر ساختار نظام آموزشی، تغییر در فعالیت‌های تربیتی و فرآیند آماده‌سازی نسل جوان تقریباً غیرممکن خواهد بود. چالش‌های علمی، پیچیدگی مشاغل و سیستم‌های ارتباطی آن‌چنان در حال تحولند که دیگر نمی‌توان با طرز تلقی گذشته و رویکردهای سنتی به فرآیند تربیت نسل جوان اندیشید.

اجتماعی را بر عهده گیرند و فرهنگ تفکر علمی «انتقادی» را در جامعه نهادینه سازند. دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی وظیفه‌دارند از طریق نیازسنجی و آینده‌نگری با عنایت به واقعیت‌های اجتماعی و فرهنگی آرمان‌های خود را طراحی نمایند و درگذر منسجم از واقعیت‌ها از طریق جاده‌های مطمئن (برنامه‌ریزی) به سوی آرمان‌های رشد و توسعه علمی پیش روند و در عصر سازندگی میهن، نقش فرهنگی خود را به‌درستی ایفا نمایند. (۶)

به‌منظور کاهش بحران ناشی از افزایش فرصت‌های ازدست‌رفته مورد اشاره برای جوانان و بویژه دانشجویان در نظام آموزشی ایران می‌بایست حاکمیت اقتصاد سیاسی با بازتعریف استراتژی در مقیاس کلان از طریق کاستن نرخ رکود توری در اقتصاد از یک‌سو و جایگزینی آموزش مهارت محور در دانشگاه‌ها از سوی دیگر، زمینه لازم و ضروری جهت نیل به توسعه همه‌جانبه، موزون و پایدار را فراهم آورد. ♦♦

منابع:

- ۱- تراسبی، دیوید، ۱۳۸۷، اقتصاد فرهنگ، ترجمه کاظم فرهادی، تهران، نشر نی
 - ۲- دبیرخانه دانشگاه‌های کشورهای اسلامی، پایگاه استنادی داده‌ای، ۲۰۲۳، بولتن شماره ۱.
 - ۳- مجموعه مقالات همایش نهضت تولید علم جنبش نرم‌افزاری و آزاداندیشی، دفتر سوم ۱۳۸۳.
 - ۴- راغفر، حسین، نیت‌ها محصول اقتصاد سرمایه‌داری مدرن، مجله اقتصادی توسعه دانشگاه تهران، ۱۴۰۳، شماره ۲.
 - ۵- پستمن، نیل، تکنوپولی: تسلیم فرهنگ به تکنولوژی، ترجمه صادق طباطبایی، تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۵.
 - ۶- موسی پور، نعمت‌الله و زهرا زین‌الدینی میمند، رسالت فرهنگی نظام آموزش عالی در دنیای متحول کنونی، نشریه پژوهشی پژوهشگران فرهنگ، کرمان، شماره ۱۷ و ۱۸، بهار ۱۳۸۶.
- *The Institute of Economic Thinking, opportunity cost council: united state of America club,2023